



الحمد لله الگوی زندگی

سید جواد حسینی

امت، امامان معصوم علیهم السلام و اهل بیت آن حضرت می‌باشند، و یکی از این اسوه‌ها، سرور شهیدان، حسین بن علی علیه السلام است.

خود آن بزرگوار در نامه‌ای به سلیمان بن صرد خزاعی و مسیب و... نوشت: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ^۱» برای شما در رفتار من الگو است.»

از این جهت لازم است شیعیان با اوصاف و ویژگیهای آن بزرگوار آشنا شوند، و خود را با او هم‌رنگ نمایند.

خداوند متعال برای سهولت پیمودن راه هدایت و رسیدن به قلّه‌های سعادت، علاوه بر دستورات و کتابهای آسمانی، الگوهای عملی را نیز معرفی فرموده است تا مردم با اقتدا به رفتار آنها راه حقیقت و راستی را به درستی و آسانی پیمایند. تمام انبیا از این افراد می‌باشند و در رأس همه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار دارد.

قرآن کریم در مورد اقتدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۲ «برای شما در [رفتار] رسول خدا الگوی نیکویی است.»

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسوه‌های

۱. احزاب/۲۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار (بیروت، دار احیاء التراث العربی)، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

۱. از زبان حضرت ابراهیم می خوانیم: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَخْيَايَ وَمَقَامَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»؛^۱ بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است. همتایی برای او نیست، و به همین مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم.»

۲. درباره امیر مؤمنان در قرآن می خوانیم: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ زَوْفٌ بِالْعِيَادِ»؛ «و از مردم کسی است که جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.»^۲

۳. قرآن درباره اهل بیت علیهم السلام می فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَّا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»؛^۳ «غذا [ی

آنچه در پیش رو دارید، اشاره‌ای به برخی ویژگیها و اوصاف سیدالشهداء، حسین بن علی علیهما السلام است. مبلغان محترم می توانند در ماه محرم هر یک از این ویژگیها را در یک سخنرانی مطرح کرده و آن را با توجه به شرایط منطقه تبلیغی خود و اضافه کردن چاشنیهای سخنرانی ارائه کنند.

۱. اخلاص و خدامحوری

در پیشگاه الهی تنها اعمالی ارزش دارد که با اخلاص و رضایت خداوند همراه باشد، به همین جهت تمام اعمال در قرآن کریم به نوعی مقید به اخلاص و قصد قربت شده‌اند. درباره جهاد می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^۱ «کسانی که در راه خداوند جهاد کردند» و درباره شهادت می خوانیم «وَالَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^۲ «کسانی که در راه خدا کشته شدند.» درباره انفاق می خوانیم: «وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^۳ «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند.»

و کسانی را قرآن به عنوان اسوه مطرح نموده، که کارشان بر محور رضای خداوند بوده است، از جمله:

۱. بقره / ۲۰ و ۲۱۸.

۲. بقره / ۱۶۹.

۳. بقره / ۲۶۲.

۴. انعام / ۱۶۲.

۵. بقره / ۲۰۷.

۶. هل اتی (انسان) / ۷-۸.

طلبه‌ها را برای خدا درس می‌دادم.^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اباذر فرمود: «یا اباذر لَیْکُنْ لَکَ فِی کُلِّ شَیْءٍ رِیَّةٌ ضَالِحَةٌ حَتَّى فِی التَّوْمِ وَالْأَکْلِ»^۳ ای ابوذر! باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی، حتی در خوردن و خوابیدن».

۲. فقط اعمال خالص: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لَهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا یَقْبَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْآعْمَالِ إِلَّا مَا کَانَ خَالِصًا»^۴ هرگاه عملی انجام دادی، پس برای خدا خالصانه انجام بده؛ زیرا خداوند فقط اعمالی را از بندگان می‌پذیرد که خالصانه انجام شده باشد».

۳. رأس طاعت: امام صادق علیه السلام فرمودند: «رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الرَّضَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ وَفِيمَا كَرِهَ»؛ سر [و اساس] بندگی خداوند، راضی بودن به آن

خود] را با اینکه به آن علاقه دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند] می‌گویند: [ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم».

از آنچه بیان شد و غیر آن از آیات قرآن به خوبی استفاده می‌شود که اعمالی در پیشگاه الهی ارزش دارد که همراه با اخلاص و رضایت الهی باشد، و افرادی در نزد او منزلت دارند که در مسیر رضایت حق قدم بردارند.

اخلاص در روایات

۱. همه چیز برای خدا: علی علیه السلام فرمودند: «طَوْبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِيهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصُمْتَهُ»^۱ خوشا به حال کسی که عمل و علم و دوستی و دشمنی و گرفتن و ترک کردن و سخن گفتن و سکوتش را برای خداوند خالص کرده است».

از رجب علی خیاط نقل شده است که: «در تشییع جنازه آیه الله بروجردی علیه السلام جمعیت بسیاری آمدند و تشییع باشکوهی شد، در عالم معنا از ایشان پرسیدم که چطور شد از شما این اندازه تجلیل کردند؟ فرمود: تمام

۱. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، سیدحمید حسینی (قم - دارالحدیث، ۱۳۸۰، چاپ دوم).

۲. محمدی ری شهری، کیمیای محبت (دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۳۷۸)، ص ۱۸۵.

۳. منتخب میزان الحکمه (همان)، ص ۵۲۰، روایت ۶۳۲۲.

۴. همان.

۵. همان، ص ۲۲۰، روایت ۲۶۱۵؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۰۸، حدیث ۱۷.

چیزی است که خداوند پیش می آورد؛ در آنچه بنده دوست دارد و یا ناخوشایند اوست.»

۴. رضایت خدا یا مردم؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛^۱ هر کس رضایت خدا را بخواهد هر چند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند، و هر کس که دنبال رضایت مردم باشد با به خشم آوردن خداوند، خداوند او را به مردم وامی گذارد.»

امام حسین علیه السلام و رضایت الهی

از بارزترین ویژگیها و اوصاف امام حسین علیه السلام این است که در تمام زندگی، گفتار و رفتار و کردارش طبق رضایت حق و در مسیر الهی بود. جز از رضای خدا دم نزد و جز خدا ندید و جز سخن خدا نشنید و راستی که او به تمام معنی یک بنده سراپا تسلیم الهی بود. به نمونه هایی در این رابطه اشاره می شود:

۱. قیام برای خدا: آن حضرت فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ

مِنَّا تَنَافَسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا ائْتِمَاسًا مِنْ قُضُولِ الْحَطَامِ وَلَكِنْ لِيَتَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَتُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَيَأْتَمَنَّ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَيُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ؛^۲

بار خدایا! تو خود می دانی آنچه از ما سر زد، رقابت برای دستیابی به سلطنت و آرزوی زیاد کردن کالای بی ارزش دنیا نبوده است؛ بلکه برای این بوده که نشانه های دین تو را افراشته ببینیم و اصلاح را در شهرهایت آشکار نماییم و بندگان ستم دیده ات امنیت یابند و به واجبات و سنتها و احکام تو عمل شود.»

۲. درخواست خشنودی خدا: امام

حسین علیه السلام در کنار قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به درگاه خداوند عرض می کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَأَكْرَهُ الْمُنْكَرَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِحَقِّ الْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ إِلَّا أَخْتَرْتَهُ مِنْ أَمْرِي هَذَا مَا هُوَ لَكَ رِضَا وَلِيُرْسُولِكَ فِيهِ رِضَى؛^۳ خدایا! بر راستی من

۱. همان، ص ۲۲۱، روایت ۲۶۳۷.

۲. موسوعة (همان)، ص ۲۷۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۸۷؛ بحار، ج ۴۴، ص ۳۲۸؛

فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (همان) ص ۳۸۵؛

مقتل الحسين، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۶.

معروف را دوست دارم و منکر را زشت می‌دارم. ای خدای بزرگ و بزرگوار! من از تو می‌خواهم به حق این قبر [پیامبر اکرم] و کسی که درون آن است، که برای من در این قیام آنچه رضایت تو و پیامبرت در آن است پیش آوری.»

۳. هرچه خدا بخواهد: پس از آنکه امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه حرکت کرد، در مکه سخنان زیادی ایراد فرمود. در یکی از آنها فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ... رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ النَّبِيِّ نَضِيرٌ عَلَيَّ بَلَاءُهُ؛ سپاس برای خداست، آنچه خدا بخواهد [همان خواهد بود] و قوتی جز برای خدا نیست...، خشنودی خدا، خشنودی ما اهل بیت است و در مقابل بلای او صبر می‌کنیم.»

۴. فقط برای خدا: هنگامی که تیر به سینه حضرت اصابت کرد و به زمین افتاد فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَيَا اللَّهُ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛^۲ به نام خدا و به یاد خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا [شهادت می‌شوم].»

الهی در رمت از سرگذشتم
هم از عون و هم از جعفر گذشتم

رضا دادم تنم بی سر بگردد
ستوران بر همه پیکر بگردد
رضا دادم که اکبر کشته گردد
تن پاکش به خون آغشته گردد
زکینه پیکرم با مال گردد
ز عشقت سز زنی بر دار گردد

امام حسین علیه السلام نه تنها در لحظه شهادت زمزمه «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به زبان داشت بلکه همیشه در صبحگاهان و شامگاهان این دعا را به زبان داشت: «بِسْمِ اللَّهِ وَيَا اللَّهُ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسَلْتُكَ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، إِنَّكَ أَسْأَلُ الْعَاقِبَةَ مِنْ كُلِّ سُورَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۳ به نام خدا و به یاد خدا، از خداوند و به سوی او، و در راه او، بر آیین پیامبر او، و بر خداوند توکل

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۶؛ فرهنگ سخنان امام حسین، ص ۲۷۴؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۱۶.
۲. سوغنامه آل محمد علیهم السلام، ص ۳۵۹؛ منتهی الامال، (علمیه اسلامیة)، ج ۱، ص ۲۸۶.
۳. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۱۳، حدیث ۶۵؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (همان)، ص ۳۱۶.

کردم و نیرو و قدرتی جز به [اراده] خداوند بزرگ نیست. پروردگارا! جانم را به تو تسلیم کرده و چهره‌ام را به سوی تو گردانده و کارم را به تو واگذار نموده و از تو سلامتی از هر بدی در دنیا و آخرت را خواهانم.»

در سراسر دعای فوق خدامحوری، رضایت الهی، و خشنودی به رضایت خداوند موج می‌زند.

۲. صبر و بردباری

یکی دیگر از صفات نیکو و کلیدی انسان، صفت صبر و بردباری است، صبر حالتی است نفسانی که اگر به حدّ اعلای خود برسد انسان را از بی‌قراری و اضطراب و شکایت از قضای الهی در برابر حوادث باز می‌دارد و قدرت ایستادگی در مقابل نفس و خواسته‌های آن را پیدا می‌کند و بر انجام واجبات و طاعات پایدار خواهد ماند؛ به همین جهت در منابع دینی صبر به سه قسم تقسیم شده است؛ صبر در مقابل بلاها و مصائب که نیکوست، و نیکوتر از آن صبر بر طاعت و بندگی است، و برتر از همه بردباری و استقامت در

مقابل گناهان و شهوات است.^۱

صبر در قرآن

در قرآن کریم، آیات فراوانی درباره صبر و استقامت آمده است. گاهی به انبیاء و مؤمنان، دستور می‌دهد که صبر کنید، مانند:

﴿وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾؛^۲ «و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.»

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾؛^۳ «پس صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است.»

و گاهی دستور می‌دهد که همدیگر را به صبر توصیه نمایید، مانند ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛^۴ «همدیگر را به صبر سفارش کنید.»

و گاه صابران را با زبانهای مختلف مورد تشویق و بشارت قرار می‌دهد، مانند: ﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛^۵ «به صابران

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۳.

۲. لقمان/۱۷.

۳. غافر/۵۵.

۴. عصر/۳۷.

۵. بقره/۵۵.

بشارت ده».

«وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ»^۱ «خداوند صابران را دوست دارد.»

«اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ»^۲ «براستی خداوند با بردباران است.»

و در آیه‌ای دستور می‌دهد که از صبر استمداد بجوید: «اِسْتَعِيْنُوا بِالصَّبْرِ»^۳ «از صبر یاری بجوید.»

و در برخی آیات پاداش بی حساب صبر و شکیبایی را گوشزد نموده است، مانند این آیات:

«وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِيْنَ صَبَرُوْا اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ»^۴ «و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کردند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.»

«وَيُنْفِمْ اَجْرَ الْعٰمِلِيْنَ الَّذِيْنَ صَبَرُوْا»^۵ «چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان؛ همانها که صبر و استقامت ورزیدند.»

«اِنَّمَا يُوَفَّى الصّٰبِرُوْنَ اَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۶ «همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند.»

صبر در روایات

در روایات هم به تعبیرات ارزشمندی درباره صبر برمی‌خوریم،

مانند:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الصَّبْرُ كَنْزٌ مِّنْ كُنُوْزِ الْجَنَّةِ»^۷ صبر گنجی از گنجهای بهشت است.

۲. علی علیه السلام: «الصَّبْرُ عَسْوَنُ عَلٰی كُلِّ اَمْرٍ»^۸ صبر به [پیشرفت] هر کاری کمک می‌کند. و فرمود: «اِنَّ صَبْرَتَ اُذْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْاَبْرَارِ»^۹ اگر صبر کنی به مقامات ابرار می‌رسی.»

۳. در روایتی می‌خوانیم: «وَالصَّبْرُ رَأْسُ الْاِيْمَانِ، فَلَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»^{۱۰} بردباری سر ایمان است، پس هر کسی صبر نداشته باشد، ایمان ندارد.»

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «اِنَّا صَبْرٌ وَ شِيعَتُنَا اَصْبَرُ مِنَّا لِاِنَّا نَصْبِرُ عَلٰی مَا نَعْلَمُ

۱. آل عمران/۱۴۶.

۲. بقره/۱۵۳.

۳. بقره/۴۵.

۴. نحل/۹۶.

۵. عنکبوت/۵۷.

۶. زمر/۱۰.

۷. محجة البيضاء، ج ۷، ص ۱۷.

۸. غررالحکم، حدیث ۷۶۵.

۹. همان، ج ۳۷۱۳.

۱۰. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۳ و ج ۷۱، ص ۶۷ و

۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۰۳.

را که در درون بندگان از نور و صفا وجود دارد، آشکار می‌سازد، و ناشکیبایی، آنچه را که در درون آنها از ظلمت و وحشت است ظاهر می‌سازد.»

صبر در سیره امام حسین علیه السلام

اگر بنا است برای صبر و صابران الگوی کامل و جامعی معرفی نمود، یکی از آنها سرور شهیدان، حسین بن علی علیه السلام است که صبر را با تمام اقسام و ابعادش در زندگی و رفتار خویش به بشریت نشان داد و با سرکشیدن جام تلخ صبر و بردباری، تمام ثمرات شیرین آن را در دنیا و آخرت نصیب خویش نمود. او از کودکی در مقابل فقر و نداری، مصائب مادر و پدر و برادر، ظلمهای ستم‌گران، آوارگی از مدینه تا کربلا، تشنگی و گرسنگی،

و شَهِدْنَا يَصْبِرُونَ عَلٰى مَا لَا يَصْلَحُونَ^۱؛ ما خیلی بردباریم و شیعیان ما از ما بردبار ترند، چرا که ما بر آنچه می‌دانیم صبر می‌کنیم ولی شیعیان ما بر چیزهایی که آگاهی از [عواقب] آن ندارند شکیبایی می‌کنند.»

۵. از حضرت مسیح علیه السلام نقل شده است که فرمود: «أَنْتُمْ لَا تَدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلٰى مَا تَكْرَهُونَ»^۲؛ برآستی شما به آنچه دوست دارید نمی‌رسید مگر با صبر و بردباری بر آنچه بد می‌دارید.»

۶. امام حسین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَضَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَقَالَ إِذَا ذَكَرَهَا «أَنَا اللَّهُ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» جَدَّدَ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَجْرِهَا مِثْلَ مَا كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳؛ هر کسی مصیبتی به او رسد، پس هرگاه که به یاد آن مصیبت می‌افتد بگوید: «ما از خداییم و به سوی خدا باز می‌گردیم»، خداوند در روز قیامت پاداش او را [هر مقدار که تکرار کند] به میزان پاداش مصیبتی که به او رسیده است تجدید می‌کند.»

۷. امام صادق علیه السلام درباره آثار صبر فرمودند: «الصَّبْرُ يُظَهِّرُ مَا فِي بَوَاطِنِ الْعِبَادِ مِنَ النُّورِ وَالصَّفَاءِ، وَالْجَزْءُ يُظَهِّرُ مَا فِي بَوَاطِنِهِم مِّنَ الظُّلْمَةِ وَالْوَحْشَةِ»^۴؛ صبر، آنچه

۱. کسافی، ج ۲، ص ۹۳؛ وافی، ج ۴، ص ۳۴۰؛

بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۶ و ج ۷۱، ص ۸۰ و ۸۴.

۲. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه،

سید حمید حسینی (قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰)

ص ۲۸۷، روایت ۳۴۳۹.

۳. همان، ص ۴۸۷، حدیث ۳۳۱؛ معجم الکبیر،

ج ۳، ص ۱۳۱؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۳،

ص ۳۰۰.

۴. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۰، ج ۴۴.

به صلح امام حسن علیه السلام با معاویه، هم خود و هم یاران خویش را دعوت به صبر و تحمل می‌کند.

در جای دیگر فرمود: «قَدْ كَانَ صَلَاحٌ وَكَانَتْ بَيْعَةٌ كُنْتُ لَهَا كَارِهَا فَأَنْتَظِرُوا مَا دَامَ هَذَا الرَّجُلُ حَيًّا فَإِنْ مِيفَهُكَ نَظَرْنَا وَنَظَرْنَا»^۲ قرارداد صلح و بیعتی [بین ما] وجود دارد که خوشایند من نیست [ولی با این حال صبر و تحمل می‌کنم]. [شما هم تا معاویه زنده است منتظر باشید، پس آنگاه که بمیرد ما و شما تجدید نظر می‌کنیم.]

۲. صبر در مقابل اهانت به جنازه امام حسن علیه السلام: وقتی مراسم غسل و تکفین امام حسن علیه السلام تمام شد، امام حسین علیه السلام بر آن نماز گذارد و قصد داشت برادر را در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کند. مروان، داماد عثمان، سوار بر قاطری شد و خود را به عایشه رساند و او را تحریک کرد که جلو این کار را بگیرد.

۱. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۱۲۰.

انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۵۱، حدیث ۱۳.

۲. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، (همان)

ص ۱۳۵، حدیث ۸۲، انساب الاشراف، ج ۳،

ص ۱۵۰، حدیث ۱۰.

شهادت برادران و فرزندان و یاران و صدها مصیبت دیگر صبر و شکیبایی نمود تا آنجا که صبر را نیز از تحمل و بردباری خود خجل کرد. اینک به برخی از نمونه‌هایی که در تاریخ و روایات به آنها اشاره شده می‌پردازیم:

۱. صبر در مقابل ستمگری معاویه: پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام، گروهی از کوفیان و دیگر شهرها به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و تقاضای قیام کردند. امام در جواب آنها فرمود: «همانا نظر برادرم - که خدا او را رحمت فرماید - وفاداری به پیمان صلح بود، و نظر من مبارزه و جهاد با ستم‌کاران است که رستگاری و پیروزی به همراه دارد، پس تا معاویه زنده است، در جای خود باشید [و صبر پیشه کنید،] پنهان کاری ننمایید، اهداف خود را مخفی کنید تا مورد سوء ظن قرار نگیرید، پس هرگاه معاویه از دنیا برود و من زنده باشم، نظر نهایی خود را به شما اعلام می‌کند، ان شاء الله»^۱

در نامه فوق حضرت علی رضی الله عنه رغم نظر خویش، فقط به خاطر تعهد نسبت

اندکی بعد تعدادی از مخالفان به رهبری عایشه صف کشیدند و خطاب به امام حسین علیه السلام گفتند: سوگند به خدا نمی‌گذاریم حسن را در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کنید. امام حسین علیه السلام فرمودند: «اینجا خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و تو ای عایشه یکی از همسران نه گانه آن حضرت هستی، که اگر حق تو محاسبه شود به اندازه جایگاه قدمهای خود از این خانه سهم داری.»

در اینجا بنی هاشم دست به شمشیر بردند و نزدیک بود جنگی پدید آید؛ اما امام حسین علیه السلام به خاطر عمل کردن به وصیت برادرشان مبنی بر اینکه خون ریزی صورت نگیرد، صبر کردند و فرمودند: «اللّٰهُ اَنْ تَفْعَلُوْا وَتَضَيُّعُوْا وَصِيَّةَ اَخِيْ وَقَالَ لِمَا نَيْسَةَ: وَاللّٰهُ لَوْ لَا اَنَّ اَبَا مُحَمَّدٍ اَوْضَى اِلَيَّ اَنْ لَا اَهْرَبُكَ مَخْجَمَةً دَمٍ

لَدَفْنْتُهُ وَ لَوْ رَغِمَ اَنْفُكَ؛^۱ خدا را، خدا را [پروا کنید]، مبدا کاری انجام دهید که وصیت برادرم ضایع گردد.» و خطاب به عایشه فرمود: «سوگند به خدا! اگر برادرم وصیت نکرده بود که مبدا قطره‌ای خون ریخته شود، او را [در کنار پیامبر] دفن می‌کردم ولو اینکه

بینی تو به خاک می‌مالیده شود.» ولی عایشه و طرفداران او دست برنداشتند، و با برخورد مسلحانه جنازه را تیرباران کردند.

۳. فقط صابران بیایند: امام حسین علیه السلام هر چند یاران و اصحاب معدودی داشت، ولی این‌گونه نبود که هر کس را به یاری دعوت کند، و نصرت هر بی‌صبر و تحملی را بپذیرد؛ بلکه با صراحت اعلام کرد که فقط صابران بیایند و بمانند: «اَلَيْهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَضِيْرُ عَلٰى حَدِّ السَّيْفِ وَطَعْنِ الْاَسِيَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَاَلَا فَلْيَنْصِرْفْ عَنَّا؛^۲ ای مردم! هر کدام از شما که می‌تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه‌ها صبر کند با ما قیام کند [و بماند] وگرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد].»

گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما

سرگردد و بیرون رود از کربلای ما

۴. صبر تا مرز تنهایی: آن حضرت

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۲، حدیث ۳؛ بحار، ج ۴۴، ص ۱۷۴؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۸۳-۴۸۶.

۲. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (همان)، ص ۴۴؛ منابع المودة، ص ۴۰۶.

ما را از مشکلات و سختیها به سوی بهشت وسیع و نعمتهای جاویدان عبور می دهد.»

و در جای دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذَنَ فِي قَتْلِكُمْ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛^۳ براستی خداوند اذن کشته شدن [و شهادت شما را] داده است، پس بر شما لازم است که صبر کنید.»

ب) آن حضرت خطاب به احمد بن حسن علیه السلام، آنگاه که بعد از جنگ آشکار برگشت و از عمو آب خواست، فرمود: «يَا بَنِي إِصْبِرْ قَلِيلًا حَتَّى تَلْقَى جَدَّكَ فَيَسْقِيكَ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ لَا تَطْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛^۴ پسرم! مدت کمی شکیبایی کن تا جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله را، ملاقات کنی،

در گوشه ای از نامه اش به محمد حنفیه نوشت: «فَمَنْ قَبِلَنِي يَقْبَلِ الْحَقَّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرْ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ؛^۱ پس هر کس حقیقت مرا بپذیرد [و از من پیروی کند، راه خدا را پذیرفته و] خدا به حق اولی است و هر کس رد کند [و من را تنها گذارد] صبر می کنم تا خداوند میان من و این قوم به حق دآوری کند.»

۵. روز عاشورا و صبر بی پایان: وقتی روز عاشورا فرا رسید و فشار نظامی، تشنگی و مشکلات دیگر هجوم آوردند، یاران اطراف حسین علیه السلام را گرفتند و نگاه به چهره او دوختند، تا ببینند چه رهنمودی می دهد. امام حسین علیه السلام به راستی صحنه های بسیار زیبایی از پشت پرده های صبر را به نمایش گذاشت که به برخی موارد آن اشاره می شود:

الف) خطاب به یاران با چهره های گشاده و با نفس آرام فرمود: «صَبْرًا بَيْنِي الْكِرَامُ فَمَا الْعَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءُ إِلَى الْجَنَانِ الْوَأَسِئَةُ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةُ؛^۲ ای فرزندان کرامت و شرف! شکبیا باشید، مرگ پُلی بیش نیست که

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۷۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۵۷۰.

۲. لهوف، ابن طاووس، ص ۲۶؛ کشف الغمّة، اربلی، ج ۲، ص ۲۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۷۴.

۳. معانی الاخبار، صدوق، ص ۲۸۸؛ کامل الزیارات، ص ۳۷؛ اثبات الوصیّة، ص ۱۳۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۲۸۲، حدیث ۱۸۵.

۴. موسوعه (همان) ص ۴۶۹؛ ینابیع المودة، ص ۴۱۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۳۱.

آمده و فریاد کشید: سکینه، فاطمه، زینب، ام کلثوم، خدا حافظ من هم رفتم، زنها و بچه‌ها شروع به گریه کردند، حضرت خطاب به سکینه فرمودند: «يَا نُورَ عَيْنِي... فَأَضْرِبِي عَلَيَّ قَضَاءَ اللَّهِ وَلَا تُشْكِي فَإِنَّ الدُّنْيَا فَاتِيَةٌ وَالْآخِرَةُ بَاقِيَةٌ»^۱ ای نور چشمم!... پس باید بر تقدیرات الهی صبر کنی و شکوه نکنی؛ چرا که دنیا ناپایدار و آخرت ماندگار است.»

ه) آخرین پرده‌ها از نمایش صبر حسین علیه السلام: آن حضرت چون آهن آب‌دیده و تیغ صیقل خورده هر چه بیشتر مصیبت می‌دید جلا و نورانیت بیشتری پیدا می‌کرد. حمید بن مسلم می‌گوید: حسین علیه السلام را در سخت‌ترین لحظه‌های عاشورا و جنگ دیدم. به خدا سوگند هرگز مرد گرفتار [و مصیبت زده‌ای] را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند در

پس آنگاه از آبی سیراب کند که هرگز بعد از آن تشنه نشوی.»

ج) امام حسین علیه السلام خطاب به علی اکبرش هنگامی که برای تجدید قوا آب خواست، فرمود: «اضْرِبِي حَبِيبِي فَاِنَّكَ لَا تُنْسِي حَتَّى يَسْقِيكَ رَسُولُ اللَّهِ بِكَأْسِهِ»^۱ عزیز دلم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله سیراب می‌شوی.»

راستی بسیار صبر و شکیبایی می‌خواهد که انسان جوانش را این‌گونه به سوی مرگ و شهادت تشویق کند؛ آن هم جوانی چون علی اکبر که از تمام جهات به پیامبر صلی الله علیه و آله شباهت داشت.

گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم
نَفْسِ شمرده زدم هم‌رهت پیاده دویدم
محاسنم به کف دست بود و اشک به چشمم
گهی به خاک فتادم گهی ز جای پریدم
دلم به پیش تو، جان در فغان دیده به قامت
خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم
هنوز العطش میزد آتشم که زمیدان

صدای یسا ابتای تو را دوباره شنیدم
پسرم! نه تیغ شمر مرا می‌کشد نه نیزه خولی
زمانه گشت مرا لحظه‌ای که داغ تو دیدم
د) آن‌گاه که به درب خیمه زنها

۱. مقاتل الطالبيين، ص ۱۱۵؛ بحار، ج ۴۵، ص ۴۵؛ اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۷؛ موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام (همان) ص ۴۶۲.
۲. ناسخ‌التواریخ، ج ۲، ص ۳۶۰؛ اسرار الشهادة، دربندی، ص ۴۲۳؛ موسوعة، ص ۴۹۰.

عین حال دلداری و استوارتر و قوی‌دل‌تر از آن بزرگوار باشد. چون پیادگان به او حمله می‌کردند، او با شمشیر بر آنها حمله می‌کرد و آنها از راست و چپ می‌گریختند؛ چنان‌که گلهٔ روباه از شیری فرار کند.^۱ آن‌گاه که حضرت به زمین افتاده بود و لحظات آخر عمر خویش را سپری می‌کرد، آخرین پرده از شکوه و صبر خویش را با این جملات به عرصهٔ نمایش گذاشت: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ لِأَلِهِ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَلَا مَعْبُودَ غَيْرِكَ، صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ»^۲ در برابر قضای تو صبر می‌کنم، خدایی جز تو نیست، ای پناه پناه‌آوردندگان، و معبودی جز تو وجود ندارد، بر حکم تو صبر می‌کنم.»

۳. خدمت‌گزاری

از دیگر اوصاف انسانی، که نشانگر رشد روحی افراد است، بخشش و خدمت‌گزاری است. خدمت به دیگران راه میان‌بری است برای رسیدن به خدا و کمالات معنوی و همین‌طور راز موفقیت در همین دنیا است؛ به همین جهت در منابع دینی سخت روی خدمت‌گزاری و دستگیری از دیگران تکیه و تأکید شده

است.

خدمت‌گزاری در قرآن

در فرهنگ قرآن مصادیق خدمت‌گزاری را در مسائلی همچون انفاق، احسان، امداد، حمایت از محرومان و مظلومان و قضای حاجت، قرض‌الحسنه و... می‌توان جستجو کرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. انفاق به دیگران: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...»^۳ «هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید.»

۲. احسان: «وَإِحْسَانًا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۴ «احسان کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

۳. امداد دیگران: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۵ «در راه نیکی و تقوا با هم تعاون کنید.»

۱. ترجمه ارشاد مفید، ج ۲، ص ۶۱۶؛ لهوف،

ص ۱۱۹.

۲. اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۰.

۳. آل‌عمران/۹۲ و ر.ک: بقره/۲۵۴، بقره/۲۷۲،

حدید/۷، سبأ/۳۹.

۴. بقره/۱۹۵ و نحل/۱۶ و زمر/۱۰.

۵. مائده/۲.

۳. امام علی علیه السلام فرمودند: «السَّيِّدُ مَنْ تَحَمَّلَ أَثْقَالَ إِخْوَانِهِ»^۴ آقا کسی است که بار مشکلات سنگین برادران دینی خود را به دوش کشد.»

خدمت‌گزاری در سیره حسین بن علی علیه السلام
۱. اندیشه‌سازی

امام حسین علیه السلام نه تنها انفاق و خدمت‌گزاری را در جامعه آن روز به نحو احسن و اعلی انجام می‌داد بلکه تلاش داشت اندیشه عالی و دیدگاه بلند خویش را درباره خدمت‌رسانی به جامعه اسلامی القاء نماید. برای تحقق همین امر است که فرمودند: «ای مردم! با ارزشهای والای اخلاقی زندگی کنید و برای به دست آوردن سرمایه‌های سعادت شتاب کنید، کار خوبی را که برای آن شتاب نکردید به حساب نیاورید، ستایش را با کمک کردن به دیگران به دست آورید، با کوتاهی کردن سرزنشها را به جان نخرید، اگر نیکی به کسی روا

۱. نساء/۷۵ و ۹۸.

۲. مستحب میزان الحکمة (همان) ص ۵۱۲.

روایت ۶۲۳۸.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۶.

۴. عبد الواحد آمدی، غرر الحکم، شماره ۹۶۲۱.

دانی که چرا خدا به تو داده دو دست من معتقدم که اندر آن سبزی است یک دست به کار خویشتن پردازی

با دست دگر ز دیگران گیری دست
۴. حمایت از مظلومان: «وَمَا لَكُمْ لَأُتَّقَىٰ لَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ؟»^۱ «شما را چه

شده است که در راه خدا [و برای نجات] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید.»

خدمت‌رسانی در روایات
در روایات هم از خدمت‌رسانی و خدمت‌گزاری با تعبیرات مختلف تشویق و بر آن تأکید شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَلْعُونٌ مُلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ شَيْئًا»^۲ از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که خداوند به او مالی عنایت کند، ولی چیزی از آن صدقه ندهد.»

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ»^۳ رئیس و آقای هر قومی، خدمت‌گزار آن قوم است.»

هزار سال عبادت کرده است که روزهایش را روزه‌دار و شبهایش را بیدار بوده است.»
چنان که در روایت دیگری فرمود: «إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لِأَسْجُلِ الْآفِىِ إِحْدَى ثَلَاثِ دَمٍ مُفْجِعِ أَوْدَيْنِ مُفْرَحِ أَوْ فَقْرٍ عُدْقِ»^۴ کمک خواستن از دیگران حلال نیست مگر در سه مورد:

۱. [پرداخت] خون بها، ۲. دین و قرض کمرشکن، و ۳. فقر ذلت‌بار.»
۲. خدمت‌گزاری در عمل

در ذیل نمونه‌هایی از خدمت‌گزاری امام حسین علیه السلام را برمی‌شمیریم بدان امید که از آن امام خدوم الگو گیریم.

الف) مردی از انصار نزد امام حسین علیه السلام آمد. می‌خواست نیاز خود

۱. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۲۹؛ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱، حدیث ۴؛ اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۰؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (همان)، ص ۸۲، حدیث ۳۲.

۲. کشف‌الغمة، ج ۲، ص ۲۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام (همان) ص ۸۲.

۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵، حدیث ۷۳؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۸۴، حدیث ۳۳.

۴. موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۷۵۹ - ۷۶۰.

داشتید و آن شخص قدردانی نکرد نگران نباشید؛ زیرا خداوند او را مجازات خواهد کرد، و خدا بهترین پاداش دهنده و بهترین هدیه دهنده است.» آن‌گاه فرمودند: «وَاعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَحْوَرَّ تَقْمًا؛^۱ بدانید نیازهای مردم به سوی شما، از نعمتهای پروردگار برای شما است؛ پس نعمتها را [پس نزنید و] از دست ندهید که دچار عذاب الهی می‌شوید.»

امام حسین علیه السلام در ادامه همان حدیث باز به اندیشه‌سازی می‌پردازد و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ جَادَ سَادَةً وَمَنْ بَخِلَ رَذِلَ وَإِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوا؛^۲ ای مردم! هر کس بخشش کند، سروری کند و هر کس بخل ورزد، پستی کرده است، و همانا بخشنده‌ترین مردم کسی است که به انسانی کمک کند که [به او] امیدی نداشته باشد.»

همچنین آن حضرت درباره پاداش و پسی آمد خدمت‌گزاری فرمودند: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ الْأَفِّ سَنَةً صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ؛^۳ کسی که برای برطرف کردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا خدا را نه

که تو با این رو انداختن به او، از آبرویت مایه گذاشتی، لذا با برآوردن نیازت آبروی تو را حفظ می‌کند.»^۱

به جهت همین حفظ آبروی افراد بود که تمام ائمه ما از جمله امام حسین علیه السلام شبانه و مخفیانه و سر و صورت بسته به فقرا کمک می‌کردند.

(ب) حضرت امام حسین علیه السلام آن قدر کمک و خدمت‌رسانی به فقراء داشت که پشت و بازویش زخم شده بود. از شعیب بن عبدالرحمان خُزاعی نقل شده است که: «أَوْجَدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الطُّفِّ أَثَرَ فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجُرَّابُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ؛^۲ بر پشت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اثر [زخمی] یافت شد، پس از امام زین‌العابدین علیه السلام درباره آن سؤال کردند، حضرت فرمود: [این اثر] مربوط به انتقال بارها است که حضرت [شبانه] به منزل بی‌سرپرستها و یتیمان و فقیران می‌برد.»

را مطرح کند، ولی امام حسین علیه السلام به او فرمودند: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَازْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَأَنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَلَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ ای برادر انصاری! آبرویت را از اینکه آشکارا درخواست کنی نگهدار و درخواست خود را به صورت کتبی عرضه کن، و من نیز طوری عمل می‌کنم که زمینه شادی و خوشحالی تو فراهم شود، ان شاء الله.»

آن مرد به حضرت چنین نوشت: ای اباعبدالله! فلانی از من پانصد دینار [سکه طلا] طلبکار است و برای دریافت آن پافشاری می‌کند. با او گفتگو فرمایید تا زمان میسر شدن مهلت دهد.

هنگامی که امام حسین علیه السلام نامه را خواند، به منزل خود رفته، کیسه‌ای که در آن هزار دینار بود آورد و به او داد و سپس فرمود: «پانصد سکه آن را به قرضت بده و پانصد سکه دیگر را کمک خرج زندگی خود ساز و حاجت خود را فقط با سه گروه مطرح کن: دیندار، جوانمرد، و ریشه‌دار [و آن که از نظر خانوادگی اصالت دارد]. اما دیندار برای حفظ دین خود حاجت تو را برآورده می‌سازد و جوانمرد از مردانگی خود شرم می‌کند و انسان ریشه‌دار می‌داند

۱. تحف‌العقول، ص ۴۳۰.

۲. منتخب میزان‌الحکمه (همان) ص ۴۵، روایت

هر قرص نانی که برمی داشتی نصف آن را به سگ باغ می دادی؟ غلام عرض کرد: من غلام شما و نگهبان این باغم و این سگ نیز نگهبان این باغ است. وقتی سفره انداختم، در مقابل من نشست و به من نگاه می کرد. من حیا کردم که او گرسنه باشد و من غذا بخورم، از این رو هر قرص نان را مساوی تقسیم کردم.

حضرت از پاسخ غلام به گریه افتاد و فرمود: «إِنَّ كَانَ كَذَلِكَ فَأَنْتَ عَتِيقِي اللَّهِ تَعَالَى وَوَهَبْتُ لَكَ أَلْفِي دِينَارٍ؛ اگر چنین است تو را در راه خدا آزاد کردم و دو هزار دینار نیز به تو بخشیدم.»

غلام گفت: اگر مرا آزاد کنی من دست از تو برنمی دارم و باغبان تو در این باغ باقی میمانم. وقتی امام وفاداری او را دید، همه باغ را به او بخشید و فرمود: «انسان بزرگوار باید عمل او گفتارش را تأیید کند... این باغ را با آنچه در آن است بتو بخشیدم، پس دوستان مرا میهمانان من به حساب آور و به آنان احترام بگذار، خدا تو را در روز قیامت کرامت ببخشد، و اخلاق نیکو و ادب تو را مبارک گرداند.»^۲

ج) روزی امام حسین علیه السلام برای عیادت «اسامه بن زید» به خانه او رفت که سخت بیمار بود، وقتی نگاه او به امام افتاد آهی کشید و از اندوه خود یاد کرد. حضرت فرمودند: «وَمَا عَمَلُكَ يَا أَخِي؟ ای برادر! چه اندوهی داری؟»

اسامه عرض کرد: اندوه من قرض فسراوان است. من شصت هزار درهم بدهکارم. حضرت فرمودند: «ادای دین تو بر عهده من است.» اسامه گفت: می ترسم از دنیا بروم و قرض من پرداخت نگردد. حضرت فرمودند: «إِنَّ تَمُوتَ حَتَّى أَقْضِيَهَا عَنْكَ؛ پیش از آنکه مرگ تو فرا برسد من قرض تو را می پردازم.»^۱

د) روزی امام حسین علیه السلام با جمعی از دوستان وارد باغ خود در مدینه شد. غلام آن حضرت به نام «صافی» نگهبان آن بود. امام به گونه ای وارد شد که غلام متوجه او نشد، حضرت دید او مشغول غذا خوردن است، روش غذا خوردن او امام را به خود جلب کرد؛ زیرا او هر قرص نانی که برمی داشت نصف آن را به سوی سگی که در پیش روی او بود می انداخت.

ناگهان غلام متوجه آمدن حضرت شد. حضرت پرسیدند: چرا در غذا خوردن

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹، حدیث ۲.

۲. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۴، حدیث ۴.